

گزارش « یازدهمین » دورهمی قرآنی در مسجد سیدالشهداء صلوات الله علیه:

(از ساعت ۱۸,۲۰ تا ۱۹,۲۰ - شنبه: ۶ آبان ماه ۱۴۰۲)

پرسش اول این جلسه: « پیام » این « آیه » چیست؟

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (حدید/۲۳)

تا بر آنچه از دست شما رفته غمگین نشوید و با آنچه به شما (امانت) داده می شود الکی خوش نباشید، زیرا خداوند هیچ « متوهم خیالباف فخرفروشی » را دوست ندارد.

تمام حوادث تلخ و شیرین و عسر و یسر و فراز و نشیب زندگی « نردبان تکامل و تعالی و تقرب » اند. « مهمترین آزمون » بشر در طول زندگی، « فهم موقتی و امانت بودن » همه اموال و عناوین است. پس « همه مردم در طول تاریخ » را می توان به « دو گروه » تقسیم کرد:

گروه اول: آنها که خود را مثل « صندوقدار بانک » و « آینه » می دانند (که با هیچ « داد و ستدی »، « تغییر » نمی کنند). آنها « همه انواع حوادث زندگی » را « آزمونی عالمانه و حکیمانه » و « هر توان و امکانی را « امانت الهی » می دانند و در هر اتفاقی « حکمت و مصلحتی زیبا » را می جویند، لذا برای چیزهائی که « ندارند»، « تأسف » نمی خورند و برای آنچه به هر دلیل « از دست می دهند » « ناامید » نمی شوند و برای هر « لذت و ثروت و موقعیت فانی دنیائی جدیدی » که به دست می آورند، « مست توهم و غرور و تفاخر و غفلت » نمی شوند و به « بخل، دروغ، ظلم و رذائل » پناه نمی برند. **گروه دوم:** آنها که **اولاً:** « نگاه عاقلانه و مؤمنانه » ندارند لذا « شانس و تصادف و خرافات » را باور دارند، **ثانیاً:** توانایی ها و دارائی های خود را « ملک » خود می پندارند، لذا با « از دست دادن » هر توان و امکان و موقعیتی « متأسف و مأیوس » می شوند و با هر ثروت و قدرت و موقعیت جدیدی، در مستی توهم و غفلت و تفاخر و غرور « غرق » می شوند و برای رسیدن به اهدافشان از « دروغ، تهمت، ربا، رشوه، بخل، ظلم، فسق، فساد » و از « ارتکاب به سایر رذائل » هیچ پروائی ندارند.

پرسش دوم: « مختال » کیست؟

فردی است که « توهمات ذهنی » را « مبنای قضاوت و گفتار و رفتار » خود قرار می دهند و به همسر و اطرافیانش می گوید: خیال کردم منظور شما اینه، خیال کردم به من توهین کردید، خیال کردم نظام عادلانه و حکیمانه الهی از این افراد متوهم، خیالباف، قیافه‌بگیر و فخر فروش هیچ حمایتی نمی کند.

پرسش سوم: « طهارت » یعنی چه؟

طهارت گرفتنی نیست بلکه « تبرّی و تنفّر و زدودن انواع پلیدی از ذهن، ظاهر و باطن خویش » است. یعنی « زدودن: دروغ، تهمت، افتراء، عیبجوئی، بدگوئی، استهزاء، تمسخر، غیبت، جدال ... » از گفتار خود. و « پرهیز از: خودپرستی، غفلت، نجاسات، شرک، کفر، نفاق، فسق، فجور، رجس، شرور، ... » از رفتار خود.